پژوهشی در بارهٔ نامه‌های دعوت حضرت رسول ﷺ

زهرا ناظمی*
مهدی مهریزی**

چکیده

این پژوهش به مطالعهٔ نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌پردازد. با یک نگرش کلی به تمام نامه‌های دعوت، مواردی چون؛ تعداد نامه‌ها، زمان ارسال نامه‌ها، مخاطبان، مفاهیم اصلی و متون اختلافی مورد مطالعه قرار گرفته است. همچنین مصادر طولی و عرضی نامه‌ها، مسألهٔ امی بودن پیامبر ﷺ و فلسفه ارسال پیام کتبی نیز بررسی شده است. در بخش دیگری از این پژوهش، تحلیل فراوانی نامه‌های دعوت بر اساس سال‌های پس از بعثت، تحلیل فراوانی نامه‌ها از حیث مخاطبان، مؤلفه‌های مهم نامه‌ها و میزان تکرارشان مورد توجه است. در پایان این نوشتار، ادبیات نامه‌ها و عوامل تاثیرگذار بر نامه‌ها، مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: رسالت جهانی، نامه دعوت، سیره پیامبر اسلام .

درآمد

اسلام دینی فراگیر و جهان شمول، دین خاتم، کامل‌ترین ادیان آسمانی، تضمین کنندهٔ رشد و کمال همه جانبهٔ بشر است. لذا از همان آغاز ظهور، خود را در حصارهای تنگ نژادی و قبیله‌ای محدود نساخت.

پیامبر گرامی اسلام برای قوم و قبیلهٔ خاصی مبعوث نشده بود تا پیامش را بر آن قوم و قبیله محصور نماید. بلکه بر اساس آموزه‌های قرآنی ماموریت داشت تا رسالت خود را فارغ از تمایزات قومی، نژادی و زبانی ابلاغ نماید:

* کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث.
** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.

یا ایُّها الناسُ اِنی رَسُولُ اللهِ اِلَیکُم؛[1]

بگو: ای مردم من فرستاده خداوند به سوی همه شما هستم.

از این رو در سال ششم هجری با توجه به رسالت جهانی خویش، با ارسال نامه‌ها و فرستادن پیک‌هایی به نزد رؤسای قبایل عرب و نیز پادشاهان و ملوک خارج از جزیره‌العرب، گام مهمی را در سیاست خارجی برداشت و آنان را به اسلام دعوت نمود.

پیامبر گرامی ﷺ به عنوان اولین و بزرگ‌ترین مبلغ اسلام و انسانی کامل که هیچ‌گاه بر طبق هوای نفس کاری را انجام نمی‌داد، در تمام اعمال و رفتارشان از اصول و قواعد ویژه‌ای پیروی می‌نمود که برگرفته از متن قرآن و منطبق با وحی الهی بود. لذا خداوند در قرآن کریم می‌فرماید:

لَقَد کانَ لَکُم فی رَسُولِ اللهِ اُسوَةٌ حَسَنَه؛[2]

به یقین، برای شما در استقامت، رسول الله سرمشق خوبی بود که به او تأسی نمایید.

به همین دلیل، رفتار، گفتار و کردار پیامبر گرامی ﷺ در هر بعدی، الگوی زندگی برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها و مکان‌هاست و یکی از دلایل و رموز موفقیت پیامبر گرامی ﷺ در روابط خارجی ایشان، سیرهٔ سیاسی آن حضرت است که بی‌تردید، بدون مطالعه در نامه‌های دعوت پیامبر ﷺ نمی‌توان به سیرهٔ سیاسی آن حضرت دست یافت.

از میان نامه‌های پیامبر گرامی ﷺ، نامه‌های دعوت آن حضرت به سران قبایل عرب و پادشاهان جهان در آن روز، از اهمیت فوق‌العادهٔ برخوردار است؛ چرا که این نامه‌ها، علاوه بر این که به مهم‌ترین مبانی و اصول زیربنایی اسلام اشاره نموده است، نشان از اقتدار، شجاعت، نیرومندی و ایمان آن حضرت به رسالت جهانی خود دارد. هم‌چنین، بیانگر نگرش و بینش پیامبر عظیم‌الشأن اسلام به مسأله سیاست خارجی یا دیپلماسی در صدر اسلام نیز است.

این مقاله نخست با تتبع در مصادر و منابع کهن تاریخ، به گردآوری نامه‌های دعوت پیامبر ﷺ پرداخته و سپس به تحلیل و ارزیابی آنها می‌پردازد؛ زیرا بررسی دعوت نامه‌ها و نظریات کارشناسانه در این زمینه ابعاد وسیع تبلیغ و ارشاد جهانی نبی مکرم

۱. سوره اعراف، آیه۱۵۹.

۲. سوره احزاب، آیه۲۱.

اسلام ﷺ را به روی جهانیان باز خواهد نمود که می‌تواند راه گشایی برای همه عصرها و نسل‌ها باشد.

این مقاله پس از ارائه گزارشی اجمالی از نامه‌ها، به تحلیل و ارزیابی آنها پرداخته، به سؤال‌های زیر پاسخ خواهیم گفت:

سؤال اول: چه رابطه‌ای است بین اقتدار روز افزون سیاسی و اجتماعی پیامبر گرامی ﷺ با فراوانی نامه‌های دعوت و ادبیات به کار گرفته شده در آن نامه‌ها؟

سؤال دوم: در نامه‌های دعوت پیامبر گرامی ﷺ کدام مفاهیم از اولویت ویژه‌ای برخوردار هستند؟

گزارش اجمالی نامه‌ها

نامه‌های دعوت پیامبر اسلام در یک نگرش کلی

در این بخش، مجموعهٔ نامه‌های دعوت پیامبر ﷺ ـ که حدود بیست نامه است ـ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

البته شایان ذکر است که به طور یقین نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام ﷺ با توجه به این که ایشان پیغمبر مرسل بوده‌اند و مسئولیت هدایت همه انسان‌ها را به عهده داشته‌اند، بیش از موارد یافته شده در این نوشته‌هاست؛ اما چنان‌که یادآور شدیم، فقط بیست نامه از مجموع نامه‌های آن حضرت، به پادشاهان و امرای آن روزگار، یافت گردیده است. از این تعداد نامه، نامه‌ای مربوط به زمان قبل از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه و نوزده نامهٔ دیگر مربوط به زمان بعد از هجرت آن حضرت است.

مجموعه نامه‌هایی که پیامبر اسلام ﷺ برای پادشاهان و سران قبایل عرب جهت دعوت آنان به اسلام، نوشته بودند، به قرار زیر است:

۱. شش نامه به پادشاهان بزرگ نوشته شده بود.

۲. هفت نامه، مربوط بود به حکام و زمامدارانی که از اهمیت کمتری برخوردار بودند.

۳. دو نامه، به اسقف‌ها و زعمای دینی صاحب نفوذ مسیحی نوشته شده بود.

۴. یک نامه به مجوس اهل هجر.

۵. دو نامه، پاسخ پیامبر ﷺ بود به نامه‌های اندیشمندانی که از ایشان در مورد حقایق اسلام، سؤال‌هایی کرده بودند.

۶. دو نامه، نیز هشدار به کسانی بود که علیه اسلام و مسلمانان توطئه کرده بودند.

همچنین از مجموع نامه‌های یاد شده فقط چهار نامه دارای متن اختلافی است و مابقی نامه‌ها ـ که شانزده نامه است ـ بدون نسخه اختلافی است که مورد اتفاق اکثر مورخان و محدثان تاریخ اسلام است. نامه‌هایی که دارای متن اختلافی است؛ عبارت‌اند از:

نامه اول: نامهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله به نجاشی اول پادشاه حبشه (سال پنجم بعثت)،

نامه دوم: نامهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله به خسرو پرویز (سال ششم هجری)،

نامه پنجم: نامهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله به هرقل قیصر روم (سال نهم هجری)،

نامه بیستم: نامهٔ پیامبر صلی الله علیه و آله به مسیلمهٔ کذاب (سال هشتم هجری).

جدول شماره ۱: بررسی وضعیت نامه‌ها

نامه	مخاطب	مذکور در اولین مصادر	دوره	زمان ارسال	سفیر نامه	محل ارسال	وضعیت متن اختلافی
اول	نجاشی اول	*ابن سعد ـ طبقات الکبری*	بیش از هجرت	احتمالا ۵ بعثت	عمروبن امیه ضمری	حبشه	متن اختلافی دارد
دوم	خسرو پرویز	ابن هشام ـ *سیره نبوی*	بعداز هجرت	۶ هجری	عبدالله بن حذافه	ایران	متن اختلافی دارد
سوم	نجاشی دوم	ابن اسحاق، *المغازی*	بعداز هجرت	۶ هجری	نامشخص	حبشه	متن اختلافی ندارد
چهارم	هرقل	قاسم بن سلام، *الاموال*	بعداز هجرت	۶ هجری	دحیه بن خلیفه کلبی	روم	متن اختلافی ندارد
پنجم	هرقل	ابن سعد، *طبقات الکبری*	بعداز هجرت	۹ هجری	دحیه بن خلیفه کلبی	روم	متن اختلافی دارد
ششم	مقوقس	ابن سعد، *طبقات الکبری*	بعداز هجرت	۷ هجری	حاطب بن ابی بلتعه	مصر	متن اختلافی ندارد
هفتم	منذر بن ساوی	یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*	بعداز هجرت	۷ هجری	علابن حضرمی	بحرین	متن اختلافی ندارد
هشتم	حارث بن ابی شمر	ابن جریر طبری، *تاریخ طبری*	بعداز هجرت	۶ هجری	شجاع بن وهب	دمشق	متن اختلافی ندارد
نهم	هوذه بن علی	ابن هشام، *سیره نبوی*	بعداز هجرت	۶ هجری	سلیط بن عمر	یمامه	متن اختلافی ندارد
دهم	عبدوجیفز جلندی	ابن هشام، *سیره نبوی*	بعداز هجرت	احتمالا ۶هجری	عمروعاص	یمن	متن اختلافی ندارد

نامه	مخاطب	مذکور در اولین مصادر	دوره	زمان ارسال	سفیر نامه	محل ارسال	وضعیت متن اختلافی
یازدهم	هلال بحرینی	ابن سعد، *طبقات الکبری*	بعداز هجرت	اختلافی ۶ یا ۷ هجری	علابن حضرمی	بحرین	متن اختلافی ندارد
دوازدهم	اسقف روم	ابن سعد، *طبقات الکبری*	بعداز هجرت	اختلافی ۶ یا ۷ هجری	دحیه بن کلبی	روم	متن اختلافی ندارد
سیزدهم	فروه بن عمر جذامی	ابن سعد، *طبقات الکبری*	بعداز هجرت	اختلافی ۶ یا ۷ هجری	عمربن امیه ضمری	معان	متن اختلافی ندارد
چهاردهم	یحنّه بن روبه	ابن سعد، *طبقات الکبری*	بعداز هجرت	۹ هجری	۴ تن از نمایندگان پیامبر(ص)	ایله	متن اختلافی ندارد
پانزدهم	اسقف نجران	ابن هشام، *سیره نبوی*	بعداز هجرت	۹ هجری	۴ تن از نمایندگان پیامبر(ص)	نجران	متن اختلافی ندارد
شانزدهم	اکثم بن صیفی	ابن بابویه قمی، *کمال الدین*	بعداز هجرت	معلوم نیست	نماینده اکثم بن صیفی	حیره	متن اختلافی ندارد
هفدهم	فرزندان عید کلال	ابن سعد، *طبقات الکبری*	بعداز هجرت	۸ یا ۹ هجری	عیاش بن ابی ربیعه	حمیر	متن اختلافی ندارد
هجدهم	مجوس اهل هجر	عبدالرزاق، *مصنّف*	بعداز هجرت	۹ هجری	ربیعه مخزومی	هجر	متن اختلافی ندارد
نوزدهم	یهود خبیر	مفید، *الاختصاص*	بعداز هجرت	۷ هجری	نامشخص	خیبر مدینه	متن اختلافی دارد
بیستم	مسیلمه کذاب	ابن اسحاق، *سیره النبی*	بعداز هجرت	۸ هجری	عمرو بن امیه ضمری	یمامه	متن اختلافی دارد

مصادر نامه‌ها

یکی از موضوعات مهم نامه‌های دعوت پیامبر ﷺ، مربوط به مصادر نامه‌هاست.

ما در مورد هریک از نامه‌های دعوت پیامبر گرامی ﷺ در این نوشتار، نخست به بیان قدیمی‌ترین مآخذی که نامه‌ها در آن آمده، استناد کردیم و سپس اگر از لحاظ لفظ و ترتیب جمله‌بندی و متن‌ها، اختلافی در منابع دیگر وجود داشت، آن را به عنوان اختلاف در نسخ، مطرح کردیم.

مجموع مصادر نامه‌های پیامبر ﷺ و با ذکر منبع به شرح ذیل است:

۱. نخستین نامه حضرت رسول خدا ﷺ به نجاشی اول زمامدار حبشه

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

من محمد رسول‌الله ﷺ الی النجاشی الاَصحَمِ[۳] مَلِکِ الحَبشةَ، سَلامٌ اَنتَ فَانّی اَحمَدُ اِلَیکَ اللهَ الذی لا اِلهَ الا هُوَ...[۴]

این نامه را ابن سعد[۵] (م۲۳۴ق)، طبری[۶] (م۳۱۰ق)، باقلّانی[۷] (م۴۰۳ق)، ابوعلی الطبرسی[۸] (م۵۴۸ق)، ابن‌کثیر (به نقل از ابن سعد)،[۹] (م۷۷۴ق)، قلقشندی[۱۰] (م۸۲۱ق) و مقریزی[۱۱] (م۸۴۵ ق) نقل کرده‌اند که از قرن دهم به بعد از همان منابع اولیه نقل شده است.

۲. نامه حضرت رسول ﷺ به خسرو پرویز کسری پادشاه ایران

بسم الله الرحمن الرحیم مِن محمدٍ رسولِ اللهِ اِلی کِسری عَظیم فارسُ :

سَلامٌ علی مَنِ اتّبعَ الهُدی، و آمَنَ باللهِ و رسولِهِ، و شَهِدَ اَن لا اِلهَ الا للهِ، وَحدَهُ لا شریکَ لَه و اَنّ محمّداً عَبدُهُ و رَسولُهُ، اَدعُوکَ بِدِعایهِ الاسلامِ...[۱۲]

---

۳. الاَصحَم و الاصحَمه هر دو استعمال شده ر.ک. *مکاتیب الرسول*، ج۲، ص۴۳۲.

۴. همان، ج۲، ص۴۳۰.

۵. *الطبقات الکبری*، ج۱، ص۲۵۹.

۶. *تاریخ الامم والملوک*، ج۲، ص۲۹۴.

۷. اعجاز القرآن، ص۱۱۳.

۸. *اعلام الوری*، ص۵۶.

۹. *البدایه والنهایه*، ج۳، ص۸۳.

۱۰. *صبح الاعشی فی صناعه الانشاء*، ج۶، ص۳۷۹.

۱۱. *الامتاع الاسماع*، ص۱۰۲۱.

۱۲. *محمد و زمامداران*، ص۸۰.

قدیمی‌ترین مصادری که نامه پیغمبرﷺ را به کسری نقل کرده‌اند، به ترتیب قرن، ابن‌هشام[۱۳] (م۲۱۳ق)، احمد حنبل[۱۴] (م۲۴۱ق)، بخاری[۱۵] (م۲۵۶ق)، یعقوبی[۱۶] (م۲۹۰ق، به نقل از ابن هشام)، طبری[۱۷] (م۳۱۰ق)، مسعودی[۱۸] (م۳۴۵ق)، باقلانی[۱۹] (م۴۰۳ق)، ابن‌جوزی[۲۰] (م۵۹۷ق)، ابن‌اثیر[۲۱] (م۶۳۰ق) و ابن‌کثیر[۲۲] (به نقل از ابن سعد م۷۵۱ق) و از قرن هفتم به بعد این نامه از همان منابع اولیه نقل شده است.

۳. نامه پیامبرﷺ به نجاشی دوم زمامدار حبشه

بِسم الله الرَّحمن الرَّحیم هذا کِتابٌ مِن النبیِ الی النجاشی؛ عَظیم الحَبَشه، سَلامٌ عَلی مَنِ اتَّبَعَ الهُدی و آمَنَ بِاللهِ وَ رَسوله، وَ اَشهَدُ اَن لا اِلهَ اِلا الله وَحدَه لا شَریکَ لَهُ...[۲۳]

متن این نامه در تعداد کمی از منابع تاریخ اسلام نقل شده است که مهم‌ترین آنها به ترتیب قرن عبارت‌اند از: ابن اسحاق[۲۴] (م۱۵۱ق)، حاکم نیشابوری[۲۵] (۴۰۵ق)، بیهقی[۲۶] (م۴۸۵ق)، (هر دو به نقل از ابن اسحاق)، ابن‌کثیر[۲۷] (م۷۷۴ق به نقل از بیهقی از ابن اسحاق)، ابن‌طولون[۲۸] (م۸۸۰ق)، زرقانی[۲۹] (م۱۱۲۲ق) و زینی دحلان[۳۰] (م۱۳۰۴ق).

۱۳.، *السیره النبویه*، ج۴، ص۲۵۴.
۱۴. *المسند*، ج۳، ص۱۳۳.
۱۵. *صحیح*، ج۴، ص۵۴.
۱۶. *تاریخ یعقوبی*، ج۲، ص۱.
۱۷. *تاریخ الامم والملوک*، ج۲، ص۶۶.
۱۸. *التنبیه والاشراف*، ص۲۲۵.
۱۹. اعجاز القرآن، ص۱۱۳.
۲۰. *المنتظم فی التاریخ*، ج۱، ص۱۰.
۲۱. همان، ج۲، ص۲۱۳.
۲۲. *البدایه والنهایه*، ج۴، ص۲۶۹.
۲۳. *مکاتیب الرسول*، ج۲، ص۴۵۵.
۲۴. *السیر والمغازی*، ص۳۰۶.
۲۵. *المستدرک علی الصحیحین*، ج۲، ص۶۲۳.
۲۶. *دلائل النبوه*، ج۲، ص۷۸.
۲۷. *البدایه والنهایه*، ج۳، ص۸۳.
۲۸. *اعلام السائلین عن کتب المرسلین*، ج۳، ص۵۰،۵۱.
۲۹. *شرح الزّرقانی علی المواهب اللدنیه*، ج۳، ص۳۴۶.
۳۰. *السیره النبویه هامش الحلبیه*، ج۳، ص۶۹.

۴. نامه حضرت رسول ﷺ به هرقل قیصر[۳۱] روم

بسم الله الرّحمن الرّحیم
من مُحّمدِ بن عبدالله اِلی هِرَقْلْ عظیم الرّوم، سلامٌ عَلی مَنِ اَتَبَعَ الهُدی، اَما بَعدُ؛ فَانی اَدعُوکَ بِدِعایَهِ الاسلامِ. اَسلِمْ تَسلِمْ[۳۲]...

متن این نامه در منابع تاریخی کثیری نقل شده است که برخی از قدیمی‌ترین آن‌ها به ترتیب قرن عبارتند از: قاسم بن سلّام[۳۳] (م۲۲۴ق)، بخاری[۳۴] (م۲۵۶ق)، یعقوبی[۳۵] (م۲۹۰ق)، طبری[۳۶] (م۳۱۰ق)، اصفهانی[۳۷] (م۴۳۰ق)، ابن‌عساکر[۳۸] (م۵۷۳ق) و از قرن ششم به بعد از همان منابع اولیه نقل شده است.

۵. نامه حضرت رسول به هرقل ـ قیصر روم از تبوک

من محمد رسول الله اِلی صاحِبِ الرُّوم، انّی اَدْعُوکَ اِلیَ الاِسلامِ، فَاِنْ اَسْلَمتَ فَلَکَ ما لِلْمُسلمینَ وَ عَلَیکَ ما عَلَیهم، فَاِن لَم تَدخُلْ فی الاِسلامِ فَاعطِ الجِزیهَ...[۳۹]

مهم‌ترین کتاب‌های تاریخ اسلام ـ که این نامه در آنجا نقل شده است ـ به ترتیب قرن عبارت‌اند از:

ابن سعد[۴۰] (م۲۲۴ق)، قاسم بن سلام[۴۱] (م ۲۲۶ق، به نقل از عبدالله بن شدّاد)، ابن عساکر[۴۲] (م۵۷۳ق)، ابن کثیر[۴۳] (م۷۷۴ق، به نقل از ابن‌سعد)، قلقشندی[۴۴] (م۸۲۱ق)،

---

۳۱. «قیصر». لقب پادشاهان روم است. قیصر در معنا به فرزندی می‌گفتند که مادرش پیش از آن که او را به دنیا آورد بمیرد و شکم مادر را بشکافند و آن فرزند را بیرون آورند (*مکاتیب الرسول*، ج۱، ص۳۹۴).
۳۲. همان، ج۲، ص۳۹۰.
۳۳. *الاموال*، ج۱، ص۳۲.
۳۴. *صحیح*، ج۴، ص۵۴-۵۵.
۳۵. *تاریخ یعقوبی*، ج۲، ص۶۷.
۳۶. *تاریخ الامم والملوک*، ج۲، ص۲۹۱.
۳۷. *دلایل النبوه* [بی جا]، ص۲۹۰.
۳۸. *تهذیب تاریخ*، ج۱، ص۱۴۱.
۳۹. «جزیه» یک نوع مالیات سرانه اسلامی است که اهل کتاب (یهود، نصارا، مجوس...) که در حکومت اسلامی هستند، باید سالانه مبلغی را به دولت اسلامی پرداخت نمایند و دولت اسلامی در قبال آن، امنیت جان و مال آنان را به عهده خواهد گرفت. برای آگاهی از تفضیل بیشتر این حکم ر.ک: *تفسیر نمونه*، ج۷، ص۳۵۰-۳۵۷.
۴۰. *الطبقات الکبری*، ج۲، ص۶۲.
۴۱. *الاموال*، ص۲۲.
۴۲. *تهذیب تاریخ*، ج۱، ص۱۱۳.
۴۳. *تفسیر ابن‌کثیر*، ج۱، ص۳۷۱.

عسقلانی[45] (م۸۵۲ق)، حلبی[46] (م۱۰۴۴ق) و زنجانی[47] (م۱۰۴۵ق).

۶. نامه حضرت رسول ﷺ به مقوقس پادشاه مصر

بسم الله الرحمن الرحیم
من محمد بن عبدالله الی المقوقس عظیم القبطِ،[48] سلامٌ علی مَن اتّبع الهُدی فَاِنی اَدعُوکَ بِدعایَه الاسلام، اَسلِمْ تَسلِمْ یؤتِکَ اللهُ اَجرَکَ مَرّتین...[49]

این نامه در منابع تاریخی کثیری نقل شده است که برخی از مهم‌ترین آنها به ترتیب قرن عبارت‌اند از: ابن‌سعد[50] (م۲۵۸ق)، طبری[51] (م۳۱۰ق)، ابن جوزی[52] (م۷۵۱ق)، قلقشندی[53] (م۸۱۲ق)، قسطلانی[54] (م۹۲۳ق)، سیوطی[55] (م۹۱۱ق، به نقل از طبری م۳۱۰ق)، حلبی[56] (م ۱۰۴۴ق)، زینی دحلان[57] (م ۱۳۷۳ق) و امین‌حسین[58] (م۱۳۷۳ق).

۷. نامه حضرت رسول به منذربن ساوی زمامدار بحرین

بسم الله الرحمن الرحیم
من محمد رسول الله الی المنذربن ساوی: سلامٌ علیک؛ فَانّی اَحمدُ الیک اللهُ الذّی لا اِلهَ الّا هُوَ...[59]

---

۴۴. *صبح الاعشی*، ج۶، ص۳۶۳.
۴۵. *المطالب العالیه*، ج۴، ص۲۳۱.
۴۶. *السیره الحلبیه من الانسان العیون*، ج۲، ص۳۷۷.
۴۷. *مدینه البلاغه فی خطب النبی ﷺ وکتبه و مواعظ و وصایا واحتجاجاته*، ج۲، ص۲۴۷.
۴۸. قبط، قبطی. به کسر «ق» گروهی از اهل مصر هستند و بعضی معتقدندکه این کلمه محرف Egypt مصر است (*فرهنگ فارسی*، ج۶، ص۲۰۰۶).
۴۹. *مکاتیب الرسول*، ج۲، ص۴۱۷.
۵۰. الطبقات الکبری، ج۱، ص۱۶.
۵۱. *تفسیر الطبری-جامع عن تاویل آی القرآن*، ج۴، ص۶۰.
۵۲. *زادالمعاد*، ج۳، ص۶۱.
۵۳. *صبح الاعشی*، ج۶، ص۳۷۸.
۵۴. *المواهب اللدنیه فی المنح المحمدیه*، ج۳، ص۳۹۷.
۵۵. *الدر المنثور*، ج۲، ص۷۲.
۵۶. *السیره الحلبیه*، ج۳، ص۲۸۰.
۵۷. *السیره النبویه هامش الحلبیه*، ج۳، ص۷۰.
۵۸. *اعیان الشیعه*، ج۲، ص۱۴۲.
۵۹. *اعلام السائلین*، ص۴۲۰.
لازم به ذکر است متن نامه حضرت رسول ﷺ به منذربن ساوی به روایت «زیلعی» این‌گونه است:
«بسم الله الرحمن الرحیم من محمد رسول الله الی المنذربن ساوی. سلامٌ علی مَنِ اتَّبعَ الهدی اما بَعدُ، فَانی ادعوک

متن این نامه در برخی از کتب تاریخ اسلام ذکر شده است که عبارتند از: ابن هشام[60] (م۲۱۳ق)، یعقوبی[61] (م۲۹۰ق)، طبری[62] (م۳۱۰ق)، زیلعی[63] (م۷۶۲ق) و ابن طولون[64] (م۸۸۰ق، به روایت از ابن عباس) که در قرون بعدی از همان منابع اولیه نقل شده است.[65]

۸. نامه حضرت رسول ﷺ به حارث بن ابی شمرغسانی ـ زمامدار دمشق

بسم الله الرحمن الرحیم

من محمد رسول الله الی الحارث بن ابی شمر، سلامٌ عَلی مَنِ اَتبّع الهدی وَآمَنَ به وَ صَدّق، وَ اِنّی اَدعوُکَ اَن تُؤمنَ باللهِ وَحدَهُ لاشریک لَهُ، و یَبقی لَکَ ملکِکَ.[66]

برخی از مهم‌ترین کتاب‌های تاریخ اسلام که این نامه در آن ذکر شده است، به ترتیب قرن عبارت‌اند از: طبری[67] (م۳۱۰ق)، ابن کثیر[68] (م۶۳۰ق)، ابن جوزی[69] (م۷۵۱ق)، ابن حدیده انصاری[70] (م۷۸۳ق، ذیل کلمه حارث، به نقل از ابن جوزی و ابن طولون[71] م۸۸۰ق).

۹. نامه حضرت رسول ﷺ به هوذه بن علی حنفی زمامدار یمامه

بسم الله الرَّحمن الرَّحیم

من محمد بن عبدالله اِلی هوذه بن علی، سلامٌ عَلی مَنِ اَتَّبَعَ الهدی، وَ اعْلَمْ اَنَّ دینی سَیَظهَرُ اِلی مُنتهی الخُفِّ وَ الحافر...[72]

الی الاسلام فاسلم تسلم اسلِم یجعل‌الله لک ما تحت یدیکَ، وَاَعلم اَنَّ دینی سیظهر الی منتهی الخف والحافر و ختم رسول الله الکتاب» (*مکاتیب الرسول*، ج۲، ص۳۵۴).

۶۰. *السیره نبویه*، ج۴، ص۲۲۲.

۶۱. *تاریخ یعقوبی*، ج۲، ص۶۷.

۶۲. *تاریخ الامم والملوک*، ج۲، ص۶۴۵.

۶۳. *نصب الرایه لاحادیث الهدایه*، ص۴۲۰.

۶۴. *اعلام السائلین*، ص۴۲۰.

۶۵. برای توضیحات بیشتر درباره این نامه رجوع شود به پاورقی ۵ (*وثائق*، ص۱۱۲).

۶۶. *جمهره الرسائل العرب*، ج۱، ص۴۵.

۶۷. *تاریخ الامم والملوک*، ج۲، ص۲۹۲.

۶۸. *البدایه والنهایه*، ج۴، ص۲۶۸.

۶۹. *زادالمعاد*، ج۳، ص۶۳.

۷۰. *مصباح المضیی فی کتاب النبی الامی*، ج۲، ص۳۱۴.

۷۱. *اعلام السائلین*، ص۱۳۴.

۷۲. *جمهره الرسائل العرب*، ج۱، ص۴۸.

متن این نامه در منابع متعددی از کتاب‌های تاریخ اسلام ذکر شده است که برخی از مهم‌ترین آن منابع به ترتیب قرن عبارت‌اند از: ابن هشام[۷۳] (م۲۱۳ق)، مسعودی[۷۴] (م۳۴۵ق)، ابن اثیر[۷۵] (م۶۳۰ق)، جوزی[۷۶] (م۷۵۱ق)، دمیری[۷۷] (م۷۴۲ق)، قسطلانی[۷۸] (م۸۵۱ق) و حلبی (م ۱۰۴۴ق).[۷۹]

۱۰. نامه حضرت رسول به زمامداران عمان، جیفر و عبدالجلندی

بسم اللهِ الرَحمنِ الرَّحیم
من محمّد بن عبدالله اِلی جیفر و عبد ابنی‌الجلندی: سلامٌ عَلی مَنِ اتَّبَع الهُدی امَّا بَعْد؛ فَانّی اَدْعوکُما بِدِعایهِ الاسلامِ، اَسْلِما تَسلِما...[۸۰]

این نامه در بسیاری از کتاب‌های تاریخ اسلام ذکر شده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

ابن هشام[۸۱] (م۲۱۳ق)، مسعودی[۸۲] (م۳۴۰ق)، ابن شهرآشوب[۸۳] (م۵۸۸ق)، ابن اثیر[۸۴] (م۳۶۰ق)، قَلقشندی[۸۵] (م۸۲۱ق)، خفأجی[۸۶] (م۹۷۷ق)، حلبی[۸۷] (م۱۰۴۴ق) و عبدالمنعم[۸۸] (معاصر).

۱۱. نامه حضرت رسول ﷺ به هلال بحرینی زمامدار بحرین

سلم اَنتَ فَانّی اَحمَدُ اَلَیکَ اللهَ الذّی لا اِلهَ اِلّا هُوَ لا شریکَ لَهُ وَ اَدعوُکَ اِلیَ اللهِ

۷۳. *السیره النبویه*، ج۴، ص۲۷۹.
۷۴. *التنبیه والاشراف*، ص۲۲۶.
۷۵. *اسد الغابه*، ج۲، ص۳۴۴.
۷۶. *زاد المعاد*، ج۳، ص۶۳.
۷۷. *حیاه الحیوان الکبری*، ج۲، ص۳۸۹.
۷۸. *شرح زرقانی علی المواهب اللدینه*، ج۳، ص۳۵۵.
۷۹. *السیره الحلبیه*، ج۳، ص۲۸۶.
۸۰. *رسائل النبی الی الملوک والامراء والقبائل*، ص۶۷.
۸۱. *السیره النبویه*، ج۴، ص۲۵۴.
۸۲. *التنبیه والاشراف*، ص۲۴۰.
۸۳. *مناقب آل ابی طالب*، ج۱، ص۱۷۳.
۸۴. *الکامل فی التاریخ*، ج۲، ص۲۳۲.
۸۵. *صبح الاعشی*، ج۶، ص۳۶۵.
۸۶. *نسیم الریاض فی شرح شفا القاضی عیاض*، ج۲، ص۴۴۷.
۸۷. *السیره الحلبیه*، ج۳، ص۲۸۴.
۸۸. *رسالات نبویه علیه التحیه*، شماره ۱۳۳.

وَحدَهُ تُومِنُ باللهِ و تُطیع، وَ تَدخُلُ فی الجَماعَهِ، فَاِنَّهُ خَیرٌلَکَ، والسَّلامُ عَلی مَنِ اتَّبَعَ الهُدی.[۸۹]

متن نامه پیامبر اسلام ﷺ به هلال بحرینی در کتاب‌های محدودی از تاریخ اسلام نقل شده است که عبارت‌اند از: ابن سعد[۹۰](م۲۲۴ق)، ابن جوزی[۹۱](م۵۹۷ق)، ابن حدیده انصاری[۹۲](م۷۸۳ق)، عبدالمنعم[۹۳] (معاصر به نقل از ابن حدیده) و حمید الله[۹۴] (معاصر به نقل از ابن سعد).

۱۲. نامه حضرت رسول ﷺ به اسقف ضغاطر، اسقف روم در قسطنطنیه

سلامٌ عَلی مَن آمَنَ: اَمّا عَلی اَثَرَذلِکَ فَاِنَّ عیسی بن مریم روحُ اللهِ و کلمتُهُ اَلقاها اِلی مریم الزَّکیه[۹۵]...

متن نامه در کتاب‌های بسیار محدودی از تاریخ اسلام ذکر شده است که عبارت‌اند از:

ابن سعد[۹۶](م۲۲۴ق)، طبری[۹۷](م۳۱۰ق)، الاصفهانی[۹۸](م۴۳۰ق)، ابن اثیر[۹۹](م۶۳۰ق)، سپهر[۱۰۰](م۱۲۹۷ق) و حمیدالله[۱۰۱](معاصر).

۱۳. نامه حضرت رسول ﷺ به فروه بن عمرو جذامی حاکم معان

مِن مُحّمدٍ رَسوُل الله اِلی فَروَه بن عَمرو، اَمّا بَعْدُ فَقَد قَدَمَ عَلَینا رَسُولَکَ، وَ بَلَغَ ما اُرسِلْتَ بِهِ...[۱۰۲]

---

۸۹. *مکاتیب الرسول*، ج۲، ص۳۳۴.

۹۰. *الطبقات الکبری*، ج۱، ص۲۷۵.

۹۱. *الوفاء به احوال المصطفی*، ص۷۳۷.

۹۲. *المصباح المضیی فی کتاب النبی*، ج۱، ص۳۵۹.

۹۳. *رسالات نبویه*، شماره ۳۱۴.

۹۴. *وثائق*، ص۶۷.

۹۵. *مکاتیب الرسول*،ج ۳،ص ۴۰۷.

۹۶. *الطبقات الکبری*، ج۱، ص۲۷۶، ظاهراً تنها مصدر مستقل که به طور کامل این نامه را ذکر کرده است ابن سعد می‌باشد و بقیه مصادر بیشتر از وی نقل قول نموده‌اند. رک. همان، ج۳، ص۴۰۶.

۹۷ . *تاریخ الامم والملوک*، ج۲، ص۲۹۲.

۹۸ . دلایل النبوه، ص۱۹۲.

۹۹ . *الکامل فی التاریخ*، ج۲، ص۲۱۱.

۱۰۰ . *ناسخ التواریخ*، ص۲۷۶.

۱۰۱ . *وثائق*، ص۹۰.

۱۰۲ . *مکاتیب الرسول*، ج۲، ص۴۶۲.

تعدادی از کتاب‌های تاریخ اسلام نامهٔ پیامبر اسلام ﷺ به فروه بن عمرو جذامی را ذکر کرده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

ابن سعد[۱۰۳](م۲۲۴ق)، ابن جوزی[۱۰۴](م۵۹۷ق) ابن حدیده انصاری[۱۰۵](م۷۸۳ق)، قلقشندی[۱۰۶](م۸۲۱ق، به نقل از ابن جوزی م۵۹۷ق)، مجلسی[۱۰۷](م۱۱۱۱ق، به نقل از کازرونی) و زنجانی[۱۰۸](م۱۳۴۱ق).

۱۴. نامه حضرت رسول ﷺ به یحنه بن روبه زمامدار ایله

سَلِمَ اَنتم فَانّی اَحمَدُ اِلَیکُم اللهَ الذی لا اِلهَ اِلّا هُوَ فَانّی لَم اُقاتِلکُم حَتّی اَکتُبَ لَکُم فَاَسلِم...[۱۰۹]

مهم‌ترین کتب تاریخ اسلام ـ که نامه حضرت رسول ﷺ به یحنه بن روبه به طور کامل در آنها ذکر شده است ـ به شرح ذیل است:

ابن سعد[۱۱۰](م۲۲۴ق)، ابن عساکر[۱۱۱](م۵۷۳ق)، ابن حدیده انصاری[۱۱۲](م۷۸۳ق)، زرقانی[۱۱۳](م۱۱۲۲ق)، کتانی[۱۱۴](معاصر)، زنجانی[۱۱۵](معاصر)، باحثین[۱۱۶](معاصر) و حمیدالله[۱۱۷](معاصر)، به نقل از زرقانی (م۱۱۲۲ق)، به نقل از عسقلانی (م ۸۵۲ ق)، به نقل از ابن حدیده (م۷۱۴ق).

---

۱۰۳. *الطبقات الکبری*، ج۱، ص۲۸۱.
۱۰۴. *المنتظم*، ج۴، ص۹.
۱۰۵. *المصباح المضیی*، ج۲، ص۳۳۳.
۱۰۶. *صبح الاعشی*، ج۶، ص۳۶۸.
۱۰۷. *بحار الانوار*، ج۲۱، ص۴۰۸.
۱۰۸. *مدینه البلاغه*، ج۲، ص۲۶۲.
۱۰۹. *الطبقات الکبری*، ج۱، ص۲۷۷.
۱۱۰. همان.
۱۱۱. *تهذیب تاریخ*، ج۴، ص۱۱۴.
۱۱۲. *المصباح المضی*، ج۲، ص۳۷۸.
۱۱۳. *شرح زرقانی*، ج۳، ص۳۶۰.
۱۱۴. *نظام الحکومه النبویه*، التراتیب الاداریه ج۱، ص۲۰۱.
۱۱۵. *مدینه البلاغه*، ج۲، ص۳۶۶.
۱۱۶. *المفصل*، ج۴، ص۲۴۹.
۱۱۷. *وثائق*، ص۹۴.

۱۵. نامه حضرت رسول ﷺ به اسقف نجران

باسم اِله ابراهیمَ وَ اِسحاقَ وَ یَعقوبَ. من مُحَمّد النبّیِ رَسولُ اللهِ اِلی اُسقفِ نجران و اهل نجران...[۱۱۸]

این نامه در بسیاری از کتب تاریخ اسلام ذکر شده است که برخی از مهم‌ترین آنها به شرح ذیل است:

ابن هشام[۱۱۹] (م۲۱۳ق)، یعقوبی[۱۲۰] (م۲۹۰ق)، بیهقی[۱۲۱] (م۴۵۸ق)، ابن طاووس[۱۲۲] (م۶۶۹ ق، به نقل از بیهقی م۴۵۸ق)، ابن کثیر[۱۲۳] (م۷۷۴ق، به نقل از بیهقی و یعقوبی)، قلقشندی[۱۲۴] (م۸۲۱ق، به نقل از بیهقی)، صالحی شامی[۱۲۵] (م۹۴۲ق) و بحرانی[۱۲۶] (م۱۱۰۷ق).

۱۶. نامه حضرت رسول ﷺ به اکثم بن صیفی حکیم عرب

بسم الله الرَّحمنِ الرَّحیم من مُحّمد رسول الله اِلی اَکثَم بن صیفی، اَحمَدُ اللهُ اِلَیکَ، اِنَّ اللهَ اَمَرَنی اَن اَقُولُ لا اِلهَ اِلا اللهِ...[۱۲۷]

این نامه در کتاب‌های محدودی از تاریخ اسلام ذکر شده است که عبارت‌اند از:

ابن بابویه قمی[۱۲۸] (م۳۸۱ق)، کراجکی[۱۲۹] (م۴۴۹ق، به نقل از ابن بابویه قمی) عسقلانی[۱۳۰] (م۸۵۲ ق، به نقل از ابن بابویه) مجلسی[۱۳۱] (م۱۱۱۱ق، به نقل از کراجکی) و زنجانی[۱۳۲] (معاصر، به نقل از عسقلانی) و عبدالمنعم[۱۳۳] (معاصر به نقل از عسقلانی) ظاهراً

۱۱۸. *مکاتیب الرسول*، ج۲، ص۴۸۹.
۱۱۹. *السیره النبویه*، ج۲، ص۳۸۳.
۱۲۰. *تاریخ یعقوبی*، ج۲، ص۶۵.
۱۲۱. *دلایل النبوه*، ج۵، ص۳۸۵.
۱۲۲. *الاقبال لصالح الاعمال*، ص۴۹۶.
۱۲۳. *البدایه والنهایه*، ج۵، ص۵۳.
۱۲۴. *مآثرالانافه فی معالم الخلافه*، ج۲، ص۲۲۷.
۱۲۵. *سبیل الهدی والرشاد فی سیره خیر العباد*، ص۷۱۷.
۱۲۶. *غایه المرام فی تعیین الامام من طریق الخاص والعام*، ص۳۰۱.
۱۲۷ *مکاتیب الرسول*، ج۲، ص۳۷۴.
۱۲۸. *کمال الدین و تمام النعمه*، ص۳۱۴.
۱۲۹. *کنز الفوائد*، ص۲۴۹.
۱۳۰. *الاصابه*، ج۱، ص۱۹۱.
۱۳۱. *بحارالانوار*، ج۲۲، ص۸۷.
۱۳۲. *مدینه البلاغه*، ج۲، ص۲۶۱.

تنها منبع مستقلی که این نامه را ذکر نموده است، ابن بابویه قمی است.

۱۷. نامه حضرت رسول ﷺ به حارث و مسروح و نعیم بن عبدکلال، زمامداران حمیر

سلم انتم ما آمَنتُم باللهِ وَ رَسُولِهِ، وأنَّ اللهَ وَحدَهُ لا شریک له، بَعَثَ موسی بآیاتِهِ، و خَلَقَ عیسی بکلِماتِهِ، قالت الیَهودُ عُزیرُابنِ‌اللهِ، و قالَتِ النصاری ثالثُ، ثَلاثَه، عیسی ابنُ الله.[۱۳۴]

این نامه در برخی از کتاب تاریخ اسلام ذکر شده است که مهم‌ترین آن کتب به شرح ذیل است:

ابن سعد[۱۳۵](م۲۲۴ق)، ابن‌عبدربّه اندلسی(م۳۲۸ق)[۱۳۶]، همدانی[۱۳۷](م۳۳۴ق)، قلقشندی[۱۳۸](م۸۲۱ق)، عسقلانی[۱۳۹] (م۸۵۲ق) و عبدالمنعم[۱۴۰] (معاصر، به نقل از ابن حدیده (م۷۸۳ق)، از ابن سعد).

۱۸. نامه حضرت رسول ﷺ به مجوس اهل هجر

فَمَن اَسلَمَ قَبلُ مِنهُ [اَلحَقُّ] و مَن أبی کَتَبَ [ضَرَبَت] ولایُؤکَل لَهُم ذبیحَهَ ولا تَنکَح لَهُم [مِنهُم] اِمرأةً.[۱۴۱]

این نامه در برخی از کتب تاریخ اسلام ذکر شده است که مهم‌ترین آن کتب عبارت‌اند از:

عبدالرّزاق[۱۴۲](م۲۱۲ق)، ابن سعد[۱۴۳](م۲۲۴ق)، ابن زنجویه نسایی[۱۴۴](م۲۵۱ق)، بلاذری[۱۴۵](۲۷۹ق)، ابن حجر عسقلانی[۱۴۶](م۸۵۱ق)، سیوطی[۱۴۷](م۹۱۱ق)، وثائق[۱۴۸] (معاصر

---

۱۳۳. *رسالات نبویه*، شماره ۸۸.
۱۳۴. *جمهره الرسائل العرب*، ج۱، ص۵۳.
۱۳۵. *الطبقات کبری*، ج۲، ص۳۲.
۱۳۶. *عقد الفرید*، ج۱، ص۴۵۶.
۱۳۷. *الاکلیل*، ج۲، ص۳۶۴.
۱۳۸. *نهایه الارب*، ص۲۶۰.
۱۳۹. *المطالب العالیه*، ص۲۶۳۱.
۱۴۰. *رسالات نبویه*، شماره ۱۳۸.
۱۴۱. *مکاتیب الرسول*، ج۲، ص۳۸۹.
۱۴۲ *اَلمصنف*، ج۶، ص۷۰.
۱۴۳ *الطبقات الکبری*، ج۲، ص۱۹.
۱۴۴. *الاموال*، ج۱، ص۱۳۷.
۱۴۵. فتوح البلدان، ص۱۱۰.

به نقل از عبدالرزاق و ابن‌زنجویه) و احمدی میانجی[۱۴۹](معاصر، به نقل از عبدالرزاق، ابن‌سعد، بلاذری و بیهقی م۴۸۵ق).

۱۹. نامه حضرت رسول ﷺ به یهود خیبر

بسم الله الرَّحمن الرَّحیم مِن مُحمد بن عَبدُاللهِ الاُمیِ رَسوُلُ الله اِلی یَهُودِ خَیبَر اَمّا بَعد؛ فَاِنَّ الارضَ الله یُورثُها مَن یَشاءُ مِن عِبادِهِ وَ العاقِبَهُ للمُتّقین وَ لا حَولَ و لا قُوَّهَ اِلا بالله العَلیِ العظیم.[۱۵۰]

مهم‌ترین کتب تاریخ اسلام که نامه حضرت رسول ﷺ به یهود خیبر در آن ذکر شده است، عبارت‌اند از: مفید[۱۵۱] (م۴۱۳ق، از عبدالله بن سلام از عبدالله بن عباس)، هندی[۱۵۲] (م۹۷۵ق)، به نقل از ابی‌نعیم (م۴۳۰ق) از ابن اسحاق (م۱۵۱ق)، سیوطی[۱۵۳](م۹۱۱ ق، از ابی‌نعیم از ابن‌اسحاق) و مجلسی[۱۵۴] (م۱۱۱۱ق).

متن دیگری نیز از ابن هشام[۱۵۵] (م۲۱۳ق) از ابن اسحاق روایت شده است که برخی از مورخان اسلام نیز آن را نقل کرده‌اند که عبارت‌اند از: زیلعی[۱۵۶](م۷۶۲ق)، ابن طولون[۱۵۷](م۸۸۰ق، به نقل از زیلعی (م۷۶۲ق)، از ابی نعیم (م۴۳۰ق) از ابن هاشم ۲۱۳ق)، حمیدالله،[۱۵۸] (معاصر) به نقل از مقریزی(م۸۴۵ق، و زیلعی و ابن طولون و ابن هشام) و احمدی میانجی[۱۵۹](معاصر) که هر دو متن را در کتاب خود نقل کرده است.

۲۰. نامه حضرت رسول به مسیلمه کذّاب

بسم الله الرَّحمنِ الرَّحیم من مُحَمَدٍ رَسُولِ اللهِ اِلی مُسَیْلَمَه الکَذّاب سلامٌ عَلی مَنِ اتَّبَع

---

۱۴۶. *المطالب العالیه*، ج۲، ص۱۸۳.
۱۴۷. *الدر المنثور*، ج۱، ص۲۲۹.
۱۴۸. *وثائق*، ص۱۱۶.
۱۴۹. *مکاتیب الرسول*، ج۲، ص ۳۸۹.
۱۵۰. همان، ج۲، ص۴۸۱.
۱۵۱. *الاختصاص*، ص۴۲.
۱۵۲. *کنز العمال*، ج۵ ص۲۸۵ و ج۱۰، ص۲۹۹.
۱۵۳. *الدر المنثور*، ج۶، ص۸۲.
۱۵۴. *بحار الانوار*، ج۹، ص ۳۳۵ و ج۴، ص۳۶۴، ج۶۰، ص۲۴۱.
۱۵۵. *السیرة النبویه*، ج۲، ص۱۶۹.
۱۵۶. *نصب الرایه*، ج۴، ص۴۱۹.
۱۵۷. *اعلام السائلین*، ص۲۵.
۱۵۸. *وثائق*، ص۷۴.
۱۵۹. *مکاتیب الرسول*، همان.

الهدی اَمّا بَعد؛ فَاِنَّ اَلارضَ للهِ یُورِثُها مَن یَشاءُ مِن عِبادِهِ وَ العاقَبهُ لِلمتَّقین.[۱۶۰]

متن این نامه در اکثر کتب تاریخ اسلام نقل شده است که برخی از مهم‌ترین آن کتب، عبارتند از:

ابن اسحاق[۱۶۱] (م۱۵۱ق)، ابن سائب کلبی[۱۶۲] (م۲۰۴ق)، ابن سعد[۱۶۳] (م۲۲۴ق)، ابن شبّه[۱۶۴] (م۲۶۲ق)، طبری[۱۶۵] (م۳۱۰ق)، بیهقی[۱۶۶] (م۴۵۱ق)، ابن‌جوزی[۱۶۷] (م۵۹۷ق)، ابن کثیر[۱۶۸] (م۷۷۴ق) و هشیمی[۱۶۹] (م۸۰۸ق) به نقل از طبرانی (م۳۶۰ق).

مسأله امّی بودن پیامبرﷺ و فلسفه ارسال پیام کتبی

قبل از پرداختن به بحث تحلیل نامه‌ها، لازم دیده شد، مباحثی در رابطه با امی بودن پیامبرﷺ و مسألهٔ ارسال پیام کتبی از جانب پیامبرﷺ مطرح شود.

پیامبر امّی

در بحث نامه‌های پیامبرﷺ این سوال‌ها به ذهن خطور می‌کند که: آیا امکان دارد، پیامبر اکرمﷺ این نامه‌ها را به دست خود نوشته باشد؟ آیا نوشته‌ای حتی یک جمله از پیامبر گرامی اسلامیﷺ به یادگار باقی مانده است؟

در پاسخ به این پرسش‌ها سه نظر عمده در میان مسلمانان وجود دارد:

۱. پیامبر اسلامﷺ قدرت خواندن و نوشتن نداشت.[۱۷۰]

۲. پیامبر اسلامﷺ پیش از بعثت، چیزی نخوانده و ننوشته بود؛ اما پس از برانگیخته شدن به پیامبری و نزول قرآن، خواندن و نوشتن می‌دانست، ولی به دست خود، چیزی ننوشت.[۱۷۱] او همهٔ آنچه را که باید نوشته می‌شد، مانند بسیاری از بزرگان تاریخ، به دبیران و

---

۱۶۰. *جمهره الرسائل العرب*، ج۱، ص۶۷.

۱۶۱. *سیرت رسول الله* مشهور به *سیره النبی*، ص۱۰۵۹.

۱۶۲. جمهره النسب، ص۱۵۴.

۱۶۳. *طبقات الکبری*، ج۲، ص ۳۲.

۱۶۴. *تاریخ المدینه المنوره اخبار المدینه النبویه*، ج۲، ص۵۷۲.

۱۶۵. *تاریخ الامم والملوک*، ج۲، ص۴۰۰.

۱۶۶. *المحاسن والمساوی*، ج۲، ص۵۷۲.

۱۶۷. *المنتظم*، ج۴، ص۲۲.

۱۶۸. *البدایه والنهایه*، ج۵، ص۵۱.

۱۶۹. *مجمع الزوائد ومنبع الفوائد*، ج۵، ص۳۱۵.

۱۷۰. *عقدالفرید*، ج۴، ص۲۴۵؛ *النبی الامی*، ص۶، ۷، ۹، ۱۸ و ۴۳.

۱۷۱. *الفائق فی غریب الحدیث*، ج۶، ص۲۰۵.

کاتبان خود، املاء می‌کرد و آنان می‌نوشتند.[۱۷۲]

۳. پیامبر ﷺ نوشتن را خوب نمی‌دانست، ولی پیمان نامهٔ صلح حدیبیه به دست خودشان نوشته شده است.[۱۷۳] آن طور که در کتب تفاسیر و کتاب‌های تاریخ اسلام به چشم می‌خورد، در تفسیر آیهٔ «وَ ما کُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ و لا تَخُطُّهُ بِیَمِینِکَ؛[۱۷۴] تو پیش از این نتوانستی کتابی خواند و نیز خطی نگاشت تا مبادا مبطلان، در نبوت تو شک و تردیدی کنند». نظر شماره دو تأیید شده است؛ بدین معنا که پیامبر گرامی ﷺ پس از بعثت، نوشته‌ها را می‌خواند، ولی به دست خود، چیزی نمی‌نوشته است.[۱۷۵]

تعدادی از مفسران قرآن، بویژه مفسران شیعه، در پاسخ به پرسش بالا دچار شک و تردید هستند و پاسخ روشنی بر این سؤال‌ها نیافته‌اند؛ مانند سیدمرتضی، طوسی و طباطبایی.[۱۷۶]

سخن گفتن از آشنایی پیامبر اسلام ﷺ با خواندن و نوشتن، مربوط به زمان پس از نزول قرآن کریم است. دانشمندان اسلامی برآنند که آن حضرت پیش از نزول قرآن با خواندن و نوشتن، بیگانه بوده است. آیهٔ «وَ کَذلِکَ أَوْحَیْنا إِلَیْکَ رُوحاً مِنْ أَمْرِنا ما کُنْتَ تَدْرِی مَا الْکِتابُ وَ لاایمانُ[۱۷۷]؛ همچنین ما قرآن را که دل‌ها بدان زنده می‌گردد، به وحی بر تو فرستادیم (پیش از آن) با هیچ یک از کتاب (قرآن) و ایمان (شرایع) آشنا نبودی». به روشنی مؤید این معناست.

در هر حال، اگر نوشته‌ای به خط پیامبر گرامی اسلام ﷺ به یادگار باقی مانده باشد یا نباشد، در این مسأله هیچ تردیدی نیست که نوشته‌هایی که به نام پیامبر اسلام ﷺ از رهگذر تاریخ به دست ما رسیده به املای خود پیامبر طض صورت گرفته است.[۱۷۸]

نکتهٔ آخر این که: به راستی باید باور داشت که نوشته‌های پیامبر گرامی اسلام ﷺ به املای خود آن حضرت صورت گرفته است. اما دلیل محکم بر این مطلب، هماهنگی

---

۱۷۲. *مکاتیب الرسول*، ج۱، ص۱۷.

۱۷۳. *طبقات*، ج۱، ص۲۴.

۱۷۴. سوره عنکبوت، آیه۴۸.

۱۷۵ *السیره النبویه*، ج۲، ص۱۸۶و ۱۸۵؛ *ثلاث رسائل*، ص۴۱.

۱۷۶. *مجمع البیان*، ج۴، ص۲۸۷.

۱۷۷. سوره شوری، آیه۵۲.

۱۷۸. *نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد* ﷺ ص۵۷.

سبک خطبه‌های[۱۷۹] پیامبر اسلام ﷺ با سبک نامه‌های ایشان است.

فلسفه ارسال پیام کتبی

یکی از مسائل مهمی که در بحث نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام ﷺ به سران قبائل، پادشاهان و رهبران ادیان و مذاهب، ذهن ما را به خود مشغول می‌دارد. مسألهٔ پیام و یا ارسال پیک کتبی آن حضرت به آنان است. سؤالی که دراینجا پیش می‌آید، این است که چرا رسول خدا ﷺ برای دعوت به اسلام و ابلاغ رسالت خود، بویژه در روابط خارجی، از ارسال پیام کتبی استفاده نموده است؟

با توجه به مطالعه در بسیاری از کتب تاریخ اسلام و سیرهٔ نبوی، مطلبی در این باره یافت نشد؛ اما بدون پرداختن به فلسفهٔ ارسال پیام کتبی پیامبر ﷺ نمی‌توان به بحث تحلیل نامه‌های دعوت پرداخت. لذا ابتدا باید تفاوت بین پیام‌های کتبی و شفاهی را بیان کرد و آنگاه به اصل مسأله پرداخت. به نظر می‌رسد شاید بتوان دلائلی را به شرح ذیل ارائه داد:

۱. حفاظت و صیانت از پیام شفاهی بسیار مشکل است؛ زیرا احتمال این که کسی که پیام را می‌رساند، آن را فراموش کند و یا در آن دخل و تصرف نماید، بسیار زیاد است؛ هر چند که دارای حافظهٔ قوی و نیرومندی باشد.

۲. پیام شفاهی معمولاً برای کسانی ارسال می‌گردد که از قبل دو طرف با هم آشنایی داشتند، اما پیام کتبی این گونه نیست. در نتیجه، رسمی‌تر است و سندیت بیشتری دارد؛ مثلاً در نامه‌های دعوت پیامبر به پادشاهان چون آنان از حضرت رسول شناختی نداشته‌اند؛ مطمئناً پیام شفاهی آن حضرت را هرگز نمی‌پذیرفتند.

نکته اول، ارسال پیام کتبی از طرف پیامبر بیان کننده عقل، تدبر و تدبیر آن حضرت است و نشان‌دهندهٔ این است که: پیامبر گرامی اسلام در روزگار جاهلیت از شیوهٔ پیام موثر برای رساندن پیام دعوت و رسیدن به اهداف الهی استفاده نمودند. ایشان رسالت خود را از طریق پیام کتبی به جهانیان اعلام داشتند.

نکته دوم، این که پیام کتبی به صورتی که مختوم به خاتم صاحب نامه باشد، سندیت بیشتری دارد. لذا پیامبر اسلام سخنان هدایت‌گرانه و آگاهی بخش خود را به صورت نامه و با مهر[۱۸۰] معتبر (محمد رسول الله) برای سران قبایل و پادشاهان بزرگ می‌فرستادند

۱۷۹. برای نمونه ر.ک: خطبه حجه الوداع (ش ۲۸۷)؛ *وثائق*، ص۲۶۹.

۱۸۰. *التنبیه والاشراف*، ص۲۵۹.

و به این صورت موجودیت دین اسلام[۱۸۱] و پیامبری خود را اعلام می‌کردند. از طرف دیگر، مهر نهادن نامه‌های دعوت، شاید نشانه بزرگداشت گیرندگان آن نامه‌ها بوده است.[۱۸۲]

تحلیل نامه‌ها

الف) تحلیل فراوانی نامه‌های دعوت در سال‌های پس از بعثت

دعوت‌های کتبی پیامبر با توجه به زمان قبل و بعد از هجرت آن حضرت به مدینه را طی دو مرحله می‌توان بررسی کرد:

دعوت نامهٔ پیش از هجرت

بعد از آشکار شدن دعوت علنی پیامبر اسلام آن حضرت نتوانست در مکه حکومتی تشکیل دهد، چرا که اسلام مراحل آغازین کار خود را می‌گذراند و مسلمانان نیز اندک بودند و از ناحیه قریش تحت فشار قرار می‌گرفتند.[۱۸۳] ظاهراً در تمام مدتی که آن حضرت در مکه به سر می‌برد، برنامه سیاسی خاصی نداشت، جز دو بیعت عقبه[۱۸۴] (با دو قبیلهٔ اوس و خزرج از مدینه) که آن هم به صورت پیمان نامه‌ای پنهانی و غیرمکتوب صورت گرفت.

در نتیجه با بررسی کتب تاریخ اسلام و سیرهٔ نبوی تنها پیام کتبی دعوت که از جانب رسول خدا در سال‌های قبل از هجرت به مدینه، به چشم می‌خورد، نامهٔ آن حضرت به نجاشی پادشاه حبشه (در سال پنجم بعثت) است که ضمن دعوت نجاشی به اسلام از وی خواسته شد که مسلمانان مهاجر به حبشه را پناه دهد.

این نامه توسط مسلمانانی که مجبور به هجرت از مکه به حبشه بودند، به نجاشی

---

۱۸۱. *الکشاف*، ج۲، ص۶۳۶.

۱۸۲. همان.

۱۸۳. *وثائق*، ص۳۶.

۱۸۴. در سال دوازدهم بعثت، در یکی از مراسم حج، پیامبر ﷺ به ملاقات دوازده نفر از قبیله خزرج که از یثرب به مکه آمده بودند، رفت و اسلام را بر آنان عرضه داشت، آنان نیز اسلام را پذیرفتند و تعهد کردند که تصدیق کننده رسول خدا باشند و اسلام را در قبیله خود تبلیغ نمایند. در سال سیزدهم بعثت نیز گروهی از قبیله خزرج و اوس (از مدینه) در موسم حج به نزد پیامبر اسلام آمدند و با ایشان بیعت کردند و اسلام را پذیرفتند. در هر دو بیعت، پیمانی بین مردم مدینه با پیامبر بسته شد و چون در محلی به نام عقبه بود به نام پیمان عقبه معروف شد. برای اطلاع بیشتر ر.ک: *السیرة النبویه*، ج۱، ص۴۲۸-۴۳۰؛ *تاریخ الامم والملوک*، ج۲، ص۸۶.

داده شد.

دعوت نامه‌های پس از هجرت: با تتبّع و جستجو در کتب تاریخ اسلام به نظر می‌رسد که:

در پی افزایش فشارهای مشرکان مکه بر پیامبر گرامی اسلام و مسلمانان و اخلالی که قریش در جریان گرایش به اسلام ایجاد کرده بودند، پیامبر اسلام برای تاسیس حکومت اسلامی و نشر دعوت اسلام، به مدینه هجرت نمود.

پس از هجرت به مدینه و قدرت گرفتن اولیهٔ جامعه اسلامی، پیامبر در راستای رسالت جهانی خویش، و بر طبق آموزه‌های قرآنی[۱۸۵]، دعوت خود را به بیرون از محیط مکه کشاند.

این دعوت‌ها با ارسال نامه‌هایی به رؤسای قبایل عرب و نیز پادشاهان و ملوک خارج از جزیره‌العرب همراه بود. از تحقیقات انجام شده، این‌گونه به دست می‌آید که نامه‌های دعوت پس از هجرت، حدوداً نوزده نامه بوده است.

از بحث مذکور می‌توان چنین نتیجه گرفت که سیر گسترش دعوت پیامبر از ابتدای بعثت آن حضرت تا پایان عمر ایشان، متفاوت بوده و به این طریق است که:

۱. سه سال اول بعثت، دعوت پنهانی (که این شیوه‌ای بسیار هشیارانه برای حفظ اسلام و تامین امنیت مسلمانان بود)،

۲. از زمان اعلان دعوت علنی تا قبل از هجرت: دعوت زبانی و شفاهی در محدودهٔ مکه تقریباً بدون سیاست خارجی،

۳. بعد از هجرت به مدینه: تأسیس حکومت اسلامی و نشر دعوت اسلام همراه با ارسال نامه‌های دعوت به روسای قبایل و سران ممالک خارج از جزیره‌العرب.

جدول شماره ۲: بررسی وضعیت نامه‌ها از جهت زمان ارسال آن

زمان ارسال نامه‌های دعوت	۵ بعثت	۶ هجری	۷ هجری	۸ هجری	۹ هجری	۱۰ هجری	اختلافی	مشخص نیست
تعداد	۱ مورد	۶ مورد	۳ مورد	-	۴ مورد	۱ مورد	۴ مورد	۱ مورد

۱۸۵. قال الله تعالی: «یا أَیُّهَا النَّبِیُّ إِنَّا اَرْسَلْناکَ شاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِیراً وَ داعِیاً إِلَی اللهِ بِإِذْنِهِ وَ سِراجاً مُنِیراً؛ ای پیامبر ما تو را گواه، و بشارت دهنده، و انذار کننده فرستادیم و تو را دعوت کننده به سوی خداوند، به فرمان او و چراغ روشنی بخشی قرار دادیم (سوره بقره، آیه۱۱۹)؛ و «وَ ما اَرْسَلْناکَ إِلَّا کَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِیراً وَ نَذِیراً؛ و تورا جز برای این که عموم بشر را بشارت دهی و بترسانی نفرستادیم (سوره سبا، آیه۲۸).

ب) تحلیل فراوانی نامه‌های دعوت بر اساس مخاطبان (قبائل عرب، کشورهای خارج از جزیرة العرب)

نامه‌هایی که به دفعات از جانب پیامبر گرامی اسلام برای مخاطبان ارسال شده است به قرار زیر است:

۱. از جانب پیامبر دو نامه به این مضمون به نجاشی اول پادشاه حبشه ارسال شد:
مضمون نامهٔ اول[۱۸۶]: دعوت به اسلام و پناه دادن مهاجران مسلمان به حبشه،
مضمون نامهٔ دوم[۱۸۷]: اعزام مهاجران مسلمان به مدینه و تزویج ام حبیبه.

۲. ارسال دو نامه به خسرو پرویز کسری پادشاه ایران:
نامهٔ اول[۱۸۸]: با موضوع دعوت به اسلام،
نامهٔ دوم[۱۸۹]: با موضوع معرفی خداوند یگانه و تهدید به جنگ.

۳. ارسال سه نامه به سوی هرقل امپراطور روم:
مضمون نامه اول[۱۹۰]: دعوت به اسلام،
مضمون نامه دوم[۱۹۱]: پذیرفتن اسلام یا پرداخت جزیه و یا آماده شدن برای جنگ،
مضمون نامه سوم[۱۹۲]: قبول اسلام یا پرداخت جزیه و یا آماده شدن برای جنگ.

۴. ارسال دو نامه از جانب پیامبر به منذربن ساوی (کارگزار خسرو پرویز):
مضمون نامهٔ اول[۱۹۳]: دعوت به اسلام،
مضمون نامهٔ دوم[۱۹۴]: تفقد و دل‌جویی از منذربن ساوی بعد از مسلمان شدن وی.

---

۱۸۶. نامه شماره ۱ در بخش قبل آمده است.
۱۸۷. متن نامهٔ دوم در تاریخ ثبت نشده است.
۱۸۸. نامهٔ حضرت رسول ﷺ به کسری.
۱۸۹. این نامه به نقل از بلعمی از *تاریخ طبری* در اولین متن اختلافی (در نامه پیامبر ﷺ به کسری) ذکر شده است.
۱۹۰. نامه پیامبر ﷺ به قیصر روم.
۱۹۱. متن این نامه در کتب تاریخ اسلام به ثبت نرسیده، اما مضمون آن مورد اتفاق اکثر مورخان اسلامی است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: *وثائق*، ص۸۷-۹۰؛ *مکاتیب الرسول*، ج۲، ص۴۱۵-۴۱۶.
۱۹۲. نامه پیامبر ﷺ به قیصر روم از تبوک.
۱۹۳. نامه حضرت رسول به منذربن ساوی.
۱۹۴ این نامه‌ها از نوع امان نامه هستند. امان‌نامه به نامه‌هایی گفته می‌شود که پیامبر در آن امتیازاتی را برای افراد در نظر می‌گرفت در صورت پذیرش اسلام از سوی آنان. ر.ک: *الاعلام*، ج۲، ص۲-۳۴۸؛ نظیر امان نامه‌ای که پیامبر ﷺ به منذربن ساوی پس از مسلمان شدن وی در پاسخ به نامهٔ وی فرستاده است، که در آن امتیازاتی نظیر پناه دادن به منذربن ساوی، باقی ماندن اموال و بخشیدن گناهان وی در صورت نیکوکاری به چشم می‌خورد. برای آگاهی بیشتر از متن امان‌نامه پیامبر ﷺ به منذربن ساوی ر.ک: *وثائق*، ص۱۱۳؛ *محمد و زمامداران*، ص۱۱۳.

مخاطبان این نامه‌ها، برخی از اهل کتاب (مسیحی، یهودی و زرتشتی) و برخی نیز کافر بودند.

با نتیجه‌ای که از این گفتار به دست می‌آید، می‌توان گفت: که اقتدار جامعه اسلامی و قاطعیت نبی مکرم اسلام، در هدایت انسان‌ها، مشاهده می‌شود.

جدول شماره ۳: بررسی پراکندگی نامه ها از حیث مخاطبان

مخاطبان نامه‌های دعوت	پادشاهان بزرگ	امرا و قبایل عرب	اسقف‌های مسیحی	اندیشمندان عرب	مجوس اهل هجر	هشدار به توطئه‌گران علیه اسلام
تعداد	۶ مورد	۷ مورد	۲ مورد	۲ مورد	۱ مورد	۲ مورد

ج) تحلیل مفاهیم اعتقادی، اخلاقی و احکام (اجتماعی، اقتصادی و عبادی) که از دید رسول خدا دارای اولویت و برتری هستند

یکی از محورهای مهم در بررسی محتوایی نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام، بررسی متن نامه‌های آن حضرت از جهت مفاهیم اولویت‌دار است؛ زیرا این مفاهیم بیانگر فرهنگ قرآنی و خط فکری رسول خداست که بر اساس مسئولیت خطیری که آن حضرت داشته‌اند؛ یعنی هدایت انسان در همه عصرها و نسل‌ها، از ایشان صادر شده است. لذا موضوعاتی که در نامه‌های دعوت آن حضرت به صورت موکد و مکرر بیان شده است، از این روست که این موضوعات دارای اهمیت و ارزش بیشتری هستند.

در این قسمت از پژوهش برآنیم تا به بررسی و تحلیل مؤلفه‌های مهم نامه‌های دعوت ـ که در بردارندهٔ مفاهیم اعتقادی، اخلاقی و فقهی هستند ـ بپردازیم. البته ناگفته نماند که منظور از مؤلفه‌های مهم، بیان مطالبی است که رسول خدا در تمام نامه‌ها به طور مکرر آنها را گوشزد کرده‌اند که به نوعی جز اولویت‌ها، به حساب آمده‌اند.

در این قسمت به بررسی مهم‌ترین مولفه‌های نامه‌های دعوت ـ که بعضی دارای زیر مجموعه نیز هستند ـ پرداخته می‌شود:

مهم‌ترین مؤلفه‌های نامه‌های دعوت

مؤلفه‌های اعتقادی

عبارت‌اند از، خدا، پیامبر اسلام، دعوت به اسلام، عیسی علیه‌السلام، مریم علیهاالسلام، موسی علیه‌السلام،

سلامتی در قبال پذیرش اسلام، بشارت و انذار، معاد و قرآن.

جدول شماره ۴: میزان تکرار مولفه های اعتقادی

مولفه‌های اعتقادی	خدا و دعوت به توحید	پیامبر ﷺ	دعوت به اسلام	عیسی علیه‌السلام	مریم علیهاالسلام	موسی علیه‌السلام	بشارت	انذار	معاد
تعداد	۵۳ مورد	۲۲ مورد	۶ مورد	۶ مورد	۳ مورد	۲ مورد	۲۱ مورد	۱۱ مورد	۳ مورد

مؤلفه‌های اخلاقی

از مهم‌ترین مؤلفه‌های اخلاقی نامه‌های دعوت می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
دوری از تجبّر (خود بزرگ بینی همراه با ستمگری)،مساوات و برابری، اصلاح نفس

جدول شماره ۵: میزان تکرار مؤلفه‌های اخلاقی

مولفه های اخلاقی	دوری از تجبر	رفق و مدارا	اصلاح نفس	مساوات و برابری
تعداد	۱ مورد	۱ مورد	۱ مورد	۱مورد

مؤلفه‌های احکام

مؤلفه‌های احکام بر سه نوع است: احکام اجتماعی، اقتصادی، و عبادی؛ نظیر جنگ با اهل کتاب، تحریم ازدواج زن مسلمان با مرد مجوس، جزیه، زکات و نماز.

جدول شماره ۶: میزان تکرار مؤلفه‌های احکام (اجتماعی ـ اقتصادی ـ عبادی)

مولفه‌های احکام (اجتماعی ـ اقتصادی ـ عبادی)	رسالت جهانی	جنگ با اهل کتاب	تحریم روابط مسلمانان با مجوس	جزیه	زکات	نماز
تعداد	۲ مورد	۷ مورد	۲ مورد	۷ مورد	۱ مورد	۲ مورد

به طور اجمال، مباحث مربوط به تحلیل مؤلفه ها را، به شرح ذیل است:

اول، در تمام نامه‌های دعوت پیامبر شهادت به وحدانیت خداوند و تأکید بر رسالت رسول اکرم و فراخواندن مخاطبان و دعوت به اسلام جز ارکان نامه‌ها، به حساب می‌آید؛ چرا که بیشترین موضوعی که در نامه‌ها تکرار گردیده و جز مشترکات تمام نامه‌ها گردیده‌اند، همین موارد یاد شده است.

دوم، بشارت و انذار، دو مؤلفه بسیار مهمی است که در اکثر نامه‌های پیامبر به چشم

می‌خورد؛ زیرا آن حضرت پیوسته در ترویج و تبلیغ دین از این دو حربه کارآمد بهره می‌برد؛ از این رو، در نامه‌های خود به پادشاهان ابتدا آنان را بشارت داده (اسلم تسلم) و سپس از در انذار وارد می‌شود و گناه رعایا را در صورت عدم پذیرش اسلام، بر عهدهٔ آنان می‌داند.

سوم، سیاست جامعه اداری در برخورد با دیگر گروه‌هایی که در ارتباط با مسلمانان بودند؛ اعم از گروه‌هایی که در ذمه اسلام بودند و یا گروه‌هایی که در برابر اسلام، ایستاده ودشمنی می‌کردند و یا گروه‌هایی که به اسلام پیوسته بودند. این مؤلفه سوم، بعد از دو مؤلفه پیشین بیشترین حجم مطالب را به خود اختصاص داده است.

چهارم، مسائل مالی و اقتصادی از جمله زکات و جزیه در نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام از مؤلفه‌هایی است که بسیار حائز اهمیت است و بخش قابل توجهی از مطالب نامه‌ها را به خود اختصاص داده است.

جدول شماره ۷: مقایسه مؤلفه‌های اعتقادی ـ اخلاقی ـ عملی

مولفه‌های اعتقادی ـ اخلاقی ـ عملی	اعتقادی	اخلاقی	عملی
تعداد	۹۳ مورد	۴ مورد	۲۲ مورد

د) بررسی ادبیات نامه‌ها

ادبیات نامه‌های دعوت پیامبر حول سه محور، به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گردد:

بیان نامه‌ها

به طور کلی ادبیات نامه‌های پیامبر اکرم را از لحاظ «بیان» می‌توان به اقسام زیر تقسیم‌بندی نمود:

ارشادی، تهدیدی، انتقادی و تبلیغی

اینک توضیح هر یک از موارد یاد شده:

ارشادی

از آنجایی که دین اسلام، آخرین و کامل‌ترین ادیان آسمانی است و تضمین کنندهٔ رشد و کمال همه جانبهٔ بشری است، و از آنجایی که پیامبر ما حضرت محمد به عنوان آخرین پیامبر و مُبلّغ این شریعت آسمانی است، پس می‌توان گفت که: ایشان با الهام از پیام‌های آسمانی[۱۹۵] مامور هدایت همهٔ انسان‌ها بودند، لذا این هدایت و ارشاد در بیشتر نامه‌های

۱۹۵ شایان ذکر است به علت کثرت مقولهٔ ارشادی و بشارتی در نامه‌های دعوت حضرت فقط به سه نامه اشاره

دعوت پیامبر گرامی اسلام مشاهده می‌شود.

تهدیدی

با نگاهی گذرا به نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام به ادبیات دیگری برمی‌خوریم. آن حضرت در راستای رسالت جهانی خویش مبتنی بر هدایت انسان‌ها، ادبیات خویش را از مرحلهٔ ارشادی فراتر برده و یا ادبیاتی کاملاً جدی مخاطبان را تهدید نموده است.

انتقادی

سومین ادبیاتی که در نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام مشاهده می‌شود، ادبیاتی است که حکایت از لحن انتقادی آن حضرت دارد. حضرت در چندین نامه، از عقاید باطل و انحرافاتی که در دین مسیحت وجود دارد (در واقع شرک اعتقادی و عملی به خداوند تعالی) انتقاد نموده است. اوج لحن انتقادی حضرت در نامه‌ای که آن حضرت به زمامداران حمیر نوشته بود، مشاهده می‌شود.

تبلیغی

با توجه به این که مسئولیت اصلی نبی مکرم اسلام رساندن پیام خداوند به مردم است و این وظیفه‌ای است که خداوند متعال در سورهٔ مائده، آیه۶۶ به آن حضرت محوّل فرموده‌اند به طوری که در آیهٔ مذکور می‌خوانیم:

یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ؛

ای پیامبر، پیامی را که بر تو نازل شده به مردم برسان و گرنه رسالت خویش را به انجام نرسانده‌ای.

لذا مسألهٔ تبلیغ دین از مهم‌ترین وظایف پیامبر گرامی اسلام به شمار می‌آمد؛ به طوری که عدم انجام آن به مانند آن بود که ایشان وظیفهٔ نبوت خود را به انجام نرسانیده و رسالت خداوند را ادا نکرده باشند. لذا مقولهٔ تبلیغ را در نامه‌های دعوت رسول خدا به وضوح می‌توان دید.

جدول شماره ۸: بررسی وضعیت ادبیات نامه‌ها

بیان نامه ها	ارشادی بشارتی	تهدیدی	انتقادی	تبلیغی
تعداد	۱۸ مورد	۸ مورد	۴ مورد	۷ مورد

می‌شود. ر.ک: نامهٔ اول، فراز۱۱؛ نامهٔ چهارم، فراز۱ و۲؛ نامهٔ هفتم، فراز۳ و۴.

عوامل تاثیرگذار بر ادبیات نامه‌های دعوت

تنوع موضوعات و ادبیات نامه‌های دعوت رسول خدا را باید با این دید مورد تحلیل و بررسی قرار داد که هدف اصلی پیامبر ارشاد و راهنمایی بشر به سوی خداوند و دگرگونی جامعهٔ آن روزگار بوده است که بنا به ضرورت پیامبر ادبیات متفاوتی را به کار گرفته است.

با توجه به مطالب یاد شده عوامل زیر را می‌توان در تنوع گستردگی موضوعات و ادبیات نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام دخیل دانست:

انحراف در عقاید ادیان آسمانی (یهود و نصارا)، سیطره سیاه قدرت‌های بزرگ در جهان آن روز، نزول آیهٔ ۶۴ سوره آل‌عمران، و دعوت خداوند به وحدت، جنگ تبوک و نزول آیهٔ ۲۹ سورهٔ توبه، انعطاف‌پذیری برخی از حکام و پادشاهان، توطئهٔ یهود اهل خیبر و ادعای مسیلمه کذاب.

پس از ذکر ادبیات نامه‌ها در یک بررسی اجمالی از نامه‌های دعوت، اکنون این سؤال به ذهن می‌رسد که سیر کلی ادبیات نامه‌های دعوت از ابتدا تا انتها چگونه بوده است؟

در پاسخ به این سؤال می‌توان گفت که پیامبر گرامی اسلام بعد از هجرت از مکه به مدینه، زمانی که در شهر مدینه حکومت اسلامی و عقیدتی نیرومندی را به وجود آورده بود، اقدام به ارسال نامه‌های دعوت به سران و پادشاهان کردند (سال ششم هجری) اکنون زمان آن بود که پیامبر نامه‌هایی را به سران کشورهای هم جوار ارسال نمایند و آنان را به سوی خداوند دعوت کنند و ندای توحید را به گوش جهانیان برسانند.

با توجه به رسالتی که خداوند بر عهده پیامبر نهاد:

إِنَّا أَرْسَلْناکَ شاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِيراً وَ داعِياً إِلَى اللهِ بِإِذْنِهِ وَ سِراجاً مُنِيراً.[۱۹۶]

از این رو می‌توان گفت: هدف از ارسال این نامه‌ها، همان ارشاد و هدایت مخاطبان بوده است. این نوع ادبیات و ادبیات تبلیغی، تعداد قابل توجهی از نامه‌های دعوت حضرت را به خود اختصاص داده است و پیامبر گرامی در تمام مدت رسالت خود چنین ادبیاتی را در نوشته‌های خود رعایت می‌کردند.

ادبیات انتقادی نیز در نامه‌های حضرت، پررنگ است و شاید این موارد به دلیل

۱۹۶. سوره احزاب، آیه۴۵.

اعتقادات مردم در آن روزگار و انحرافاتی بود که در ادیان الهی، نظیر یهود و نصارا وجود داشت. از سوی دیگر پیامبر گرامی اسلام همواره با مشکلاتی از ناحیهٔ دشمنان اسلام مواجه بودند. لذا از ادبیات تهدید همراه با اقتدار به عنوان یکی از ابزارهای دعوت استفاده می‌نمودند.

با توجه به تحقیقاتی که انجام شد، می‌توان گفتکه در نامهٔ بیستم ـ که آخرین نامهٔ دعوت پیامبربود و در سال دهم هجری، ارسال شد ـ نوعی ادبیات تهدیدی و بشارتی دیده می‌شود. این نامه در واقع، اوج اقتدار حکومت اسلامی در زمان رسول خدا را نشان می‌دهد.

نکاتی چند در باره نامه‌های دعوت پیامبر

۱. مخاطب اکثریت نامه‌هایی که با بسم‌الله شروع شده بود، از اهل کتاب بودند. ظاهراً نامه‌هایی که بدون نام خداوند آغاز شده بود، برای کسانی فرستاده می‌شد، که اعتقاد به خداوند نداشتند.

جدول شماره ۹: بررسی ذکر بسم الله الرحمن الرحیم

ذکر بسم الله الرحمن الرحیم در نامه‌ها	بسم الله الرحمن الرحیم	بسمه اله ابراهیم	بدون بسم الله الرحمن الرحیم
تعداد	۱۳ مورد	۱ مورد	۶ مورد

۲. یکی از نکات جالب توجه در باب نامه‌های دعوت رسول خدا این است که نوع سلام‌ها با هم متفاوت است و این سلام‌ها به دو دسته تقسیم می‌شوند:

سلام‌هایی که تلویحاً نوعی احترام ویژه به مخاطب است؛ مانند سلامٌ اَنت،[۱۹۷] سَلامٌ عَلیک،[۱۹۸] سلامٌ علی مَن امن،[۱۹۹] سَلِمَ اَنتم ما امَنتُم،[۲۰۰] اَسلَم اَنتم[۲۰۱] برای این نوع سلام‌ها شاید به توان گفت که پیامبر به مخاطبانی که گذشتهٔ نیکی داشتند، نیکوکار و آزاد بودند و نسبت به اسلام انعطاف نشان می‌دادند و یا با اسلام دشمنی نداشتند، سلام و درودی همراه با احترام و محبت در نامه‌ها آورده‌اند؛ نظیر نجاشی اول (پادشاه حبشه) که پیامبر به او فرمودند: سلامٌ انت.

۱۹۷. نامه پیامبر ﷺ به نجاشی اول، فراز۱
۱۹۸. نامه پیامبر ﷺ به منذر بن ساوی، فراز۲
۱۹۹. نامه پیامبر ﷺ به اسقف ضغاطر، فراز۱.
۲۰۰. نامه پیامبر ﷺ به زمامداران حمیر، فراز۱.
۲۰۱. نامه پیامبر ﷺ به اسقف نجران، فراز۲.

سلامٌ عَلی مَنِ اتَّبَعَ الهُدی[۲۰۲] سلامی است که در ابتدای نامه پیامبر به پادشاهان و امرای اهل کتاب آمده است. این سلام پیامبر معمولاً برای کافران فرستاده می‌شد که برگرفته از قرآن کریم، سوره طه، آیه ۴۷ بود.

جدول شماره ۱۰: بررسی وضعیت نوع سلام:

شکل سلام در نامهٔ دعوت	سلام محبت‌آمیز	سلام به کفار	سلام نامه آخر	بدون سلام
تعداد	۵ مورد	۹ مورد	۲ مورد	۳ مورد

۳. تمام نامه‌های دعوت پیامبر گرامی اسلام، مشحون از آیات قرآن است که در آنها یا حضرت به آیات قرآن استناد نموده‌اند و یا این که کلام خود را از قرآن اقتباس نموده و یا بر آن آیات استشهاد نموده بودند. بنا بر این، رسول خدا در این نامه‌ها، کلام خود را با آیات قرآن همراه نموده‌اند.

مطلب آخر، این که پیامبر اسلام در تمام نامه‌ها، هرگز حمد و ثنای الهی را فروگذار نکرده است و آنچه در تمام نامه‌ها تکرار شده، دعوت به یگانگی خداوند است و مضمون همهٔ نامه‌ها مشحون از رأفت و دلسوزی است.

جدول شماره ۱۱: بررسی وضعیت آیات قرآن:

آیات قرآن در نامه ها	اقتباسی	استدلالی	استشهادی
تعداد	۲۱ مورد	۸ مورد	۱ مورد

نتیجه

نامه‌های حضرت ختمی مرتبت به دلیل اهمیت و ویژگی‌های خاص آن از دیرباز مورد توجه بوده است. هم‌چنین تعدادی از این نامه‌ها در کتاب‌های سیره، مغازی، فقه، حدیث، تاریخ و تفسیر، کمابیش آمده است؛ اما متأسفانه پژوهش‌های بنیادی در طول تاریخ در مورد دعوت نامه‌های آن حضرت انجام نگرفته است.

در بین نامه‌های منسوب به رسول خدا، نامه‌های دعوت آن حضرت به سران و پادشاهان از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است؛ زیرا مهم‌ترین مبانی و اصول زیربنایی اسلام در آن نامه‌ها مطرح شده است که می‌تواند سرمشق خوبی برای مسلمانان پس از قرآن کریم باشد. این نامه‌ها؛ هم چنین مواردی از احکام فقهی و اجتماعی اسلام را دربردارند و

۲۰۲. برای نمونه رک: نامه پیامبر ﷺ به کسری پادشاه ایران، نجاشی دوم پادشاه حبشه و هرقل قیصر روم (نامه های دوم، سوم، چهارم) فراز۲.

روزنه‌ای از پرتو درخشان اسلام به شمار می‌روند؛ با این که تفاوت‌هایی در ادبیات نامه‌های دعوت مشاهده می‌شود، اما به طور کلی می‌توان گفت که این نامه‌ها ادبیاتی نزدیک به هم دارند در عین این که هر نامه ادبیات مخصوص خود را دارد، با این حال، می‌توان نتیجه گرفت که اغلب نامه‌های دعوت با ادبیات ارشادی ـ بشارتی نوشته شده‌اند. بنا بر این، می‌توان چنین استنباط کرد که مسائل عقیدتی و ترویج و اعتلای توحید و زدودن رسوبات شرک و بت‌پرستی؛ یعنی نفی عبودیت غیرالله برای آن حضرت مهم‌تر از سایر موضوعات بوده است؛ زیرا پیام توحید به آدمیان، عزت، کرامت و حریت می‌بخشد و آنها را از بندگی غیرخدا می‌رهاند و به دنبال آن، مسائل اخلاقی، فرهنگی و عدالت اجتماعی در جامعه برقرار می‌شود.

کتابنامه

ـ*الاختصاص*، محمد بن محمد نعمان، تصحیح و تعلیق: علی اکبرغفاری، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.

ـ*الارشاد*، محمد بن محمد مفید، قم: اهل البیت، بی تا.

ـ*الاقبال لصالح الاعمال*، محمد بن موسی ابن طاووس، تحقیق: محمدرضا المامقانی، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۵۸ ش.

ـ*الاموال*، ابوعبید قاسم سلام، بیروت: دارالمحدثه، ۱۳۶۷/۱۹۸۸ ش.

ـ*الاموال*، حمید ابن زنجویه، تحقیق: شاکر زیب فیاض، ریاض: مرکز الملک فیصل البحوث و الدراسات الاسلامیه، ۱۹۸۶/۱۴۰۶ م.

ـ*الامتاع والاسماع*، عبدالقادر مقریزی، تحقیق و تعلیق: محمد عبدالحمید النمسیمی، بیروت، انتشارات دارالکتب علمیه، ۱۹۹۹/۱۴۲۰ م.

ـ*اسد الغابه فی المعرفه الصحابه*، *عزالدین ابن اثیر*، تحقیق: خلیل مأمون شیخا، بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۹۷/۱۴۱۸ م.

ـ*اعجاز القرآن*، ابوبکر باقلانی، تحقیق: احمد صفر، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۷۲ م.

ـ*اعلام السائلین عن کتب المرسلین*، محمد ابن طولون، بی جا، بی نا، ۱۳۴۸ ش.

ـ*اعلام الوری*، ابوعلی الطبرسی، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، بیروت: دارالمعارفه، ۱۹۷۹/۱۳۹۹ م.

ـ*اعیان الشیعه*، محسن امین حسینی، تصحیح: سید حسن امین، بیروت: دارالمعارف، ۱۴۰۳ ق.

- *البدایه و النهایه*، *ابوالفداء* ابن کثیر، تحقیق و نشر: مکتب المعارف، بیروت: بی تا.
- *بحارالانوار*، محمد باقر مجلسی، بیروت: موسسه الوفاء، ۱۴۰۳/۱۹۸۳ م.
- *تاریخ الرسل و الملوک*، محمد ابن جریر طبری، ترجمه: تاریخ طبری به انشای محمد بن بلعمی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵ ش.
- *تاریخ یعقوبی*، احمد بن یعقوب یعقوبی، بیروت: دارصار، ۱۳۶۴ ش.
- *مروج الذهب و معادن الجوهر*، علی بن حسین مسعودی، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران: ترجمه و نشر کتاب، بی‌تا.
- *تهذیب تاریخ*، علی بن حسین ابن عساکر، تحقیق: عبدالقادر بدران، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، بی تا.
- *تفسیر نمونه*، ناصر مکارم شیرازی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ ش.
- *تفسیر الطبری جامع عن تاویل آی القرآن*، محمد ابن جریر طبری، بولاق: الامیریه، ۱۷۲۹/۱۳۲۳م.
- *تاریخ المدینه المنوره اخبار المدینه النبویه*، عمر ابن شبه ی نصیری، قم: دارالفکر، ۱۳۶۸/۱۴۱۰ش.
- *ثلاث رسائل*، عمر بن بحر جاحظ، بیروت: دارالارقم، بی تا.
- *جمهره الرسائل العرب فی عصور العربیه الزاهره*، احمد زکی صفوت، قاهره: دارالمطبوعات، العربیه، ۱۹۳۷/۱۳۵۶ م.
- *جمهره النسب*، هشام بن محمد ابن سائب کلبی، بیروت: الدار العربیه للموسوعات، بی تا.
- *حیاه الحیوان الکبری*، محمدبن موسی الدمیری، تهران: انتشارات ناصر، ۱۳۶۴ ش.
- *دلائل النبوه*، ابوبکر بیهقی، بیروت: دارالکتب العلمیه، بی تا.
- *دلایل النبوه*، ابونعیم اصفهانی، بی جا، عالم الکتب، ۱۹۸۸/۱۴۹۵ م.
- *رسائل النبی الی الملوک و الامراء و القبائل*، سید علی خالد، بیروت: مکتب دارالتراث، ۱۴۰۷ ق.
- *رسالات النبویه علیه التحیه*، صاحب عبدالمنعم خان، دهلی: شماره ۱۳۳، ۱۳۳۶ ق.
- *زادالمعاد*، محمد بن ابی بکر ابن قیم ابن جوزی، تحقیق: سید ابراهیم، مصر: دارالحدیث، ۱۹۹۱ م.
- *السیره النبویه*، عبدالملک ابن هشام، تحقیق: مصطفی سقا، ریاض: دارالمعنی، موسسه الریان، ۱۹۹۹ م.
- *السیر و المغازی*، محمد ابن اسحاق، بیروت: دارالفکر، ۱۹۷۸/۱۳۸۹ م.

ـ*السیره النبویه هامش الحلبیه*، احمد زینی دحلان، حلب: دارالقلم، ۲۰۰۱/۱۴۲۱ م.
ـ*السیره الحلبیه من الانسان العیون*، برهان الدین حلبی، مصر: دارالتراث العربی، ۱۹۲۳/۱۳۲۰م.
ـ*سبیل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد*، محمدبن علی صالحی شامی، تحقیق: مصطفی عبدالوحد، قاهره: احیاء التراث اسلام، ۱۹۹۳/۱۴۱۴ م.
ـ*سیرت رسول الله مشهور به سیره النبی*، ترجمه و تصحیح: اصغر مهدوی دامغانی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۶۸ ش.
ـ*شرح الزرقانی علی المواهب اللدینه*، محمد بن عبدالباقی زرقانی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۹۷۳/۱۳۹۳ م.
ـ*صبح الاعشی فی صناعه الانشاء*، احمد قلقشندی، مصر: وزاره الثقافه و الارشاد القومی، بی تا.
ـ*صحیح*، محمد بن اسماعیل بخاری، بیروت: دارالمعرفه، بی تا.
ـ*الطبقات الکبری*، محمد ابن سعد، بیروت: دارصار، ۱۹۶۰/۱۳۸۰ م.
ـ*عقدالفرید*، احمد بن محمد ابن عبدربه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۷/۱۴۰۴ م.
ـ*غایة المرام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام*، هاشم بحرانی، تحقیق: السید علی عاشوری، بیروت: موسسهٔ التاریخ العربی، ۲۰۰۰/۱۴۲۲ م.
ـ*الفائق*، فی غریب الحدیث، شرح: عبدالرحمن العبیدی، بغداد: بی نا، ۲۰۰۱/۱۴۲۱ م.
ـ*فرهنگ معین*، محمد معین، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.
ـ*کمال الدین و تمام النعمه*، محمد بن علی ابن بابویه قمی، صححه و قدم له و علق علیه: حسین الاعلمی، بیروت: موسسهٔ الاعلمی، ۱۹۹۹/۱۴۱۳ م.
ـ*الکامل فی التاریخ*،عزالدین ابن اثیر، بیروت: دارصار، ۱۹۷۹/۱۳۹۹ م.
ـ*کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال*، حسام الدین هندی، بیروت: موسسه الرساله، ۱۹۸۵/۱۴۰۵ م.
ـ*الکشاف عن حقایق غوامض و عیون الاقاویل فی وجوه التأویل*، محمد بن عمر زمخشری، بیروت: دارالکتاب العربی، ۱۹۴۷/۱۳۶۶ م.
ـ*محمد و زمامداران*، احمد صابری همدانی، قم: دارالمعلم، ۱۳۴۶ ش.
ـ*مکاتیب الرسول*، علی احمدی میانجی، تهران: موسسه دارالحدیث الثقافه، ۱۴۱۹ ق.
ـ*المسند*، احمد ابن حنبل، بیروت: دارالحیاء التراث العربی، بی تا.
ـ*المنتظم فی التاریخ*، عبدالرحمن ابن جوزی، تحقیقک محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: ۱۴۱۲/۱۹۹۲ق.

ـ*المستدرک علی الصحیحین*، محمد حاکم نیشابوری، تحقیق: محمدحمدی الدمرداش، بیروت: المکتبه العصریه، ۱۴۳۰/۲۰۰۰ م.
ـ*المطالب العالیه*، احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، بیروت: بی نا، ۱۳۷۲ ق.
ـ*مدینه البلاغه فی خطب النبی* ﷺ *وکتبه و مواعظ و وصایا و احتجاجات*، موسی الزنجانی، تهران: منشورات الکعبه، ۱۳۶۳ ش.
ـ*مواهب اللدنیة فی المنح المحمدیه*،احمد بن محمدقسطلانی، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲/۱۹۹۱م.
ـ*مصباح المضی فی کتاب النبی الامی*، محمد بن علی ابن حدیده انصاری، بیروت دارالندوه الجدیده، ۱۴۰۶/۱۹۸۶ م.
ـ*مناقب آل ابی طالب*، محمد بن علی ابن شهرآشوب، قم: المطبعه العلمیه، بی تا.
ـ*المفصل فی تاریخ العراق المعاصر*، باحثین مجموعه، بغداد: بیت الحکمه، ۱۳۸۱ ق.
ـ*مآثر الانافه فی معالم الخلافه*، بیروت: عالم الکتب، بی تا.
ـ*المحاسن والمساوی*، ابراهیم بن بیهقی، قاهره: بی نا، ۱۳۲۵/۱۹۰۶ م.
ـ*مجمع الزوائد و منبع الفوائد*، علی بن ابی بکر هشیمی، بیروت: دارالکتب عربی، بی تا.
ـ*الوفاء احوال المصطفی*، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸/۱۹۹۸ م.
ـ*وثائق*، محمد حمیدالله، نامه‌های حضرت ختمی مرتبت و خلفای راشدین، ترجمه و تحشیه: محمود مهدوی دامغانی، تهران: بنیاد، ۱۳۶۵ ش.
ـ*نصب الرایه (احادیث الهدایه)*، جمال الدین زیلعی،بی جا، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۳/۱۹۷۳م.
ـ*نسیم الریاض فی شرح شفا القاضی عیاض*، احمد بن محمد خفاجی، مصر: الازهر، ۱۳۲۵ق.
ـ*ناسخ التواریخ*، محمدتقی سپهر، به اهتمام: جمشید کیانفر، تهران: انتشارات اساطیر، ۱۳۷۷ ش.
ـ*نظام الحکومه النبویه التراتیب الاداریه*، عبدالحی کتانی، بی جا، چاپ مصر، بی تا.
ـ*النبی الامّی*، مرتضی مطهری، ترجمه: محمدعلی تسخیری، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۲۹۹/۱۳۵۸ش.